

The Gaza Crisis and Its Impact on the Interaction/ Conflict of the Structure and Agent (Turkey Case Study)

Hassan Sadeghian^{id}*

Visiting lecturer at University of Tehran, h_sadeghiankomarolya@atu.ac.ir

Mohammad Bagher Khorramshad

Professor of Political Science at Allameh Tabataba'i University, mb.khorramshad@gmail.com

Abstract

Purpose: The Al-Aqsa storm operation and the subsequent crimes of the Zionist regime against the people of Gaza, which have been ongoing since October 7, 2023 have provided the basis for changing attitudes and approaches in the functional nature of the structure and agency at the global level and raised the question that Will this issue cause confrontation or interaction of structure and agency in different countries, especially Islamic countries?

Method: In response to this question, in the form of "process tracing" method and based on the framework of structure and agency, while examining the general trend of this issue in the countries of the world, Turkey was selected as a case study and investigated.

Results: The finding of the research is that while the Gaza crisis has brought "increasing conflict between the structure and the agent" in different countries of the world; But this process in Islamic countries, especially Turkey, has been a two-way interaction/confrontation, and the continuation of the Gaza crisis in Turkey has made this process more confrontational.

Conclusion: The crisis in Gaza and the intensification of the Zionist regime's crimes in other countries of the region have intensified the wave of criticism and protests against the policies of the ruling Turkish government and made the process of communication between the structure and the agency even more confrontational. From the realm of necessity, to step into the realm of "what will be" or "what should be"; and basically, he wants to perform the role of "active activism" and "strategic activism" correctly and effectively.

Keywords: Al-Aqsa Storm Operation, Gaza Crisis, Process Tracing, Structure-Agent, Turkey.

Article type: Research

* Received on 15 April, 2024 Accepted on 10 June, 2024

Cite this article: Sadeghian & Bagher Khorramshad (2024) The Gaza Crisis and Its Impact on the Interaction/ Conflict of the Structure and Agent (Turkey Case Study), Fall 2024, Vol.13, NO.3, 123-148.

DOI: 10.30479/psiw.2024.20212.3323

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Hassan Sadeghian (h_sadeghiankomarolya@atu.ac.ir)

بحران غزه و تأثیر آن بر تعامل / تقابل ساختار و کارگزار (مطالعه موردی کشور ترکیه)

حسن صادقیان *^{id}

مدرس مدعو دانشگاه تهران، h_sadeghiankomarolya@atu.ac.ir

محمدباقر خرمشاد

استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، mb.khorramshad@gmail.com

چکیده

هدف: عملیات طوفان الاقصی و در پی آن جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون ادامه دارد، زمینه تغییر نگرش‌ها و رویکردها در ماهیت عملکردی ساختار و کارگزاری در سطح جهانی را فراهم کرده و این سؤال را مطرح کرده است که آیا این مسئله زمینه تقابل یا تعامل ساختار و کارگزاری را در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای اسلامی سبب خواهد شد؟

روش: در پاسخ به این پرسش، تلاش شد در قالب روش «ردیابی فرایند» و بر اساس چارچوب ساختار و کارگزاری، ضمن بررسی روند کلی این موضوع در کشورهای جهان، کشور ترکیه به صورت مطالعه موردی انتخاب و مورد بررسی و تفحص قرار گیرد.

یافته: یافته پژوهش این است که بحران غزه در عین اینکه در کشورهای مختلف جهان، «افزایش تقابل و تضاد ساختار و کارگزار» را به بار آورد؛ اما این روند در کشورهای اسلامی به‌ویژه ترکیه به صورت دوجبه‌ی تعامل/تقابل بوده است و تداوم بحران غزه در ترکیه، این روند بیشتر تقابلی کرده است.

نتیجه گیری: بحران در غزه و تشدید جنایات رژیم صهیونیستی در کشورهای دیگر منطقه، موج انتقادات و اعتراضات را نسبت به سیاستهای دولت حاکم ترکیه تشدید کرده و روند ارتباطی ساختار و کارگزاری را به مراتب بیشتر تقابلی کرده و ممکن است برخلاف سالهای قبل، جامعه ترکیه (کارگزار) به گذار از قلمرو ضرورت، به قلمرو «آنچه خواهد بود» یا «آنچه باید باشد» قدم بردارد؛ و اساساً بخواهد نقش «کنشگری فعال» و «کنشگری استراتژیک» را به درستی و به نحو احسن انجام دهد.

واژگان کلیدی: عملیات طوفان الاقصی، بحران غزه، ردیابی فرایند، ساختار-کارگزار، ترکیه.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۳/۲۶
استناد: صادقیان و خرمشاد (۱۴۰۳)، بحران غزه و تأثیر آن بر تعامل/تقابل ساختار و کارگزار (مطالعه موردی کشور ترکیه)، پاییز ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۵۱: ۱۲۳-۱۴۸.



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

عملیات طوفان الاقصی و در پی آن اقدامات جنون‌آمیز و ضدحقوق بشری رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه، فارغ از اعتراضات، واکنشها و تأییدیه‌ها و حمایت‌های ساختاری (حاکمیتی) کشورها در اقصی نقاط جهان در عرصه‌ی کارگزاری و عاملیت برخلاف بُعد ساختاری که شاهد تضادها و تقابل‌ها بوده و هستیم، شاهد واکنش نسبتاً واحدی هستیم و این موضوع، «تقابل و تضاد ساختار و کارگزاری» را در کشورهای مختلف به ویژه جهان غرب نمایان و تشدید کرد و بدین ترتیب، پنج مسئله مهم را در سپهر سیاسی نمایان ساخت:

۱. اعتبار ماهیت سیاسی و اندیشه‌ای جهان غرب که داعیه نظام سیاسی دموکراتیک و مدافع حقوق بشری داشت، بیش از پیش لطمه دید.

۲. مشروعیت و مقبولیت رهبران سیاسی در نزد افکار عمومی تضعیف شد و شکاف میان دولت‌ها و ملت‌ها تشدید شد.

۳. اهمیت و نقش کارگزاری / عاملیت در قیاس با ساختار / بستر افزایش یافت.

۴. ایده شکست‌ناپذیری رژیم اسرائیل خدشه برداشت و ایده مقاومت در نزد افکار عمومی مشروعیت پیدا کرد.

۵. «شککننده بودن گفتمان وحدت در جهان اسلام و وجود ناسازگاری و تضادهای عمیق در ساختارهای سیاسی جهان اسلام» بار دیگر اثبات شد.

معهدا به نظر می‌رسد در کشورهای اسلامی به ویژه کشور ترکیه شاهد روند دوسویه تعامل / تقابل ساختار و کارگزار هستیم. کشور ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی و در عین حال دارای روند سیاسی نسبتاً دموکراتیک، همواره در تحولات سیاسی منطقه به ویژه موضوع فلسطین و غزه واکنش نشان داده و هر چند به صورت حداقلی و موقت اثرگذار بوده است؛ به طوریکه عموماً همراهی نسبی ساختار و کارگزاری وجود داشته است؛ یعنی کارگزار عموماً با قول و رفتار ساختار سیاسی همراه بوده است اما به نظر می‌رسد در این دوره برخلاف گذشته، بحران غزه و فلسطین رابطه میان ساختار و کارگزاری را در این کشور تحت تأثیر قرار داده و زمینه رشد و قدرت‌گیری گفتمانهای جدید (به ویژه از نوع اسلامگرایی) در قالب گفتمان مقاومت و آزادی در بُعد کارگزاری و حتی ساختاری فراهم کرده است که حداقل به صورت زبانی، مدعی تغییر در معادلات و ارتباطات میان ترکیه و رژیم صهیونیستی و قطع ارتباط هستند؛ معهدا، این روند با موانع زیاد داخلی و خارجی مواجه است. بنابراین سؤال اصلی مقاله این است:

آیا بحران غزه، تعامل یا تقابل میان ساختار و کارگزاری جامعه ترکیه را افزایش خواهد داد؟
سؤالهای فرعی دیگری که در این مقاله تلاش شده است به آنها پاسخ داده شود بدین قرار

است:

- تأثیر تعامل یا تقابل میان ساختار و کارگزار بر سیاستهای ساختار حاکم چه خواهد بود؟
 - آیا بعد از بحران غزه و تشدید تأثیر منطقه‌ای و جهانی آن، شاهد تغییر سیاستهای حزب حاکم در مسائل منطقه‌ای خواهیم بود؟
 - آیا در صورت تداوم بحران غزه، رویکرد دولت ترکیه در خصوص تشکیل دو دولت مستقل در فلسطین تغییر پیدا خواهد کرد؟
- در مقاله از چارچوب نظری «ساختار و کارگزاری» و از روش «ردیابی فرایند» بهره‌برداری شده است.

روش پژوهش: ردیابی فرایند

به لحاظ روش‌شناختی محتوای این پژوهش بر اساس منابع اسنادی (کتابخانه‌ای) و از حیث روش‌شناسانه مبتنی بر روش «ردیابی فرایند» گردآوری و تقریر شده است. مهم‌ترین نوع تحلیل درون‌موردی، «ردیابی فرایند» است که یک ابزار اساسی برای تحلیل کیفی می‌باشد. ردیابی فرایند توجه جدی به توالی متغیرهای مستقل، وابسته و مداخله دارد؛ در واقع، محققان از تحلیل درون‌موردی استفاده می‌کنند برای پیدا کردن مکانیسم‌های میانجی که پیوند دهنده یک متغیر تبیینی فرضیه‌سازی شده به یک پیامد یا معلول است (Collier, 2011:1). همچنین تکنیک ردیابی فرایند غالباً مبتنی بر این پیش‌فرض است که مطالعه تبیینی یک پدیده خاص و منفرد مستلزم فهم فرایند وقوع یا ردیابی توالی علّی حوادثی است که متعاقب هم آمده‌اند. از این‌رو، برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علّی قرار داد و مراحل مختلف وقوع آن پدیده را روشن ساخت. ردیابی فرایند ذاتاً مسیرهای تغییر و تحول را بررسی می‌کند. در یک معنا، فرایند را می‌توان زنجیره‌ی پیش‌رونده عمل/ تعامل دانست که در طول زمان و مکان، گاه در واکنش به موقعیت یا زمینه، تغییر می‌کند و گاه ثابت می‌ماند.

این عمل/ تعامل ممکن است شگردی باشد که عامل در واکنش به موقعیتهای مشکل به کار می‌زند؛ یا ممکن است عادی باشد و بدون تفکر انجام گیرد؛ این عمل/ تعامل ممکن است منظم، منقطع، متوالی یا هماهنگ و در بعضی موارد آشفته باشد. آنچه فرایند عمل/ تعامل را می‌سازد ماهیت پیش‌رونده و اشکال گوناگون آن، و پیش‌بردن همه اجزای مرتبط به سوی هدف واحد است (استراوس، کربین، ۱۳۹۰: ۱۸۵). درعین حال از ردیابی فرایند می‌توان برای نظریه‌آزمایی یا نشان دادن مطابقت پیش‌بینی‌های نظری با واقعیات تجربی در یک مورد خاص نیز استفاده کرد. (طالبان، ۱۳۸۸: ۶)

به طور کلی، ردیابی فرایند دو کار اساسی را در تحقیقات تاریخ اجتماعی - سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی انجام می‌دهد: ۱. بیان مکانیسم علّی ۲. آزمون فرضیه. در این پژوهش

از «بیان مکانیسم علی» استفاده می‌شود. بیان مکانیسم علی سه مسئله را در تحقیقات برای محقق تاریخ سیاسی و جامعه‌شناسی روشن می‌کند:

۱. مکانیسم علی با بازکردن جعبه سیاه، علل واسط و میانجی را برای محقق آشکار می‌کند؛
۲. مکانیسم علی، جهت رابطه بین پدیده‌ها را مشخص می‌سازد که کدام یک از آنها علت و کدام معلول است؛
۳. مکانیسم علی به ما نشان می‌دهد که آیا رابطه مفروض، یک رابطه علی است یا یک رابطه کاذب. (کافی، ۱۳۹۵: ۱۵۵-۱۵۲)

در همبستگی‌ها، اطلاعاتی درباره‌ی درون‌داد (متغیرهای مستقل) و برون‌داد (متغیر وابسته) به همراه برآورد دقیقی از میزان هم‌تغییری این دو ارائه می‌شود؛ ولی اگر بپرسند «چرا این هم‌تغییری میان درون‌داد و برون‌داد وجود دارد؟» اطلاعی در دست نیست. «جعبه سیاه» به ناآگاهی از فرایندی اشاره دارد که درون‌داد را به برون‌داد وصل کرده است. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مثلاً اگر بپرسند: «چرا در دولت حزب عدالت و توسعه، رابطه دولت ترکیه با رژیم اسرائیل، فراز و فرود زیادی دارد؟»، می‌توان این پاسخ را مطرح کرد که «زیرا مدل حکومتی حاکم بر این کشور در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است» اما این تبیین جعبه سیاه دارد: چون باز می‌توان پرسید «چرا مدل‌های حکومتی بر این رابطه تأثیر می‌گذارند؟» این چرای دوم که به جعبه سیاه میان درون‌داد / متغیر مستقل (مدل‌های حکومتی) و برون‌داد / متغیر وابسته (رابطه میان دولت اسرائیل و ترکیه) اشاره می‌کند، پاسخ خود را از «چگونگی» یعنی مکانیسم پیونددهنده متغیر مستقل به وابسته می‌گیرد. به تعبیر دیگر، سؤال دوم این است که «چگونه و از طریق چه مکانیسمی مدل‌های حکومتی بر این رابطه تأثیر می‌گذارند؟» پاسخ این است که ساختار سیاسی (حزب عدالت و توسعه) از طریق اتخاذ یک نوع شیوه حکومتی «هیبریدی (چندرگه)»، بر نوع روابط میان ترکیه و رژیم اسرائیل تأثیر می‌گذارد. شیوه‌ای که اساساً در تقابل و تضاد با ماهیت هویتی اصیل اسلامگرایی و اسلامخواهی در ترکیه است.

به تعبیر دیگر، رویکرد مکانیسمی مدعی است که همبستگی‌ها یا تقارن / تعاقب‌ها میان پدیده‌ها، «تبیین اولیه» هستند، نه «تبیین نهایی»؛ «تبیین اولیه» آن است که سؤال می‌تواند چرای دیگری را برانگیزد و از این رو به تبیین دیگری بر اساس ارجاع به اعیان و فعالیت‌هایی نیاز دارد که آن را به بار آورده است. «تبیین نهایی» آن است که سؤال چرای دیگری را بر نمی‌انگیزد یا به عبارت دیگر، جعبه سیاه ندارد (Boudon, 1998: 173).

چارچوب نظری: ساختار - کارگزاری

مسئله‌ی رابطه بین ساختار و کارگزار یا کنش و ساختار اجتماعی موضوعی است که در کانون بحث نظریه اجتماعی و فلسفه علوم اجتماعی قرار دارد و بیشتر نظریه‌پردازان اجتماعی گرایش دارند که به این یا آن واژه میان کنش و ساختار یکی را برگزینند و بر آن تأکید بیشتری کنند. هر کدام از این دو رویکرد، ستاینندگان و منتقدان خودشان را دارند (ارشاد، ۱۳۸۹: ۵۲۲).

مسئله ساختار و کارگزاری به این موضوع مربوط می‌شود که اجزای یک تبیین معتبر یا مناسب آثار و پیامدهای سیاسی چیست، یا تبیین سیاسی مناسب چه چیزی را دربر می‌گیرد. اگر بررسی کنیم که پدیده‌های سیاسی معمولاً چگونه تبیین شده‌اند، تقریباً به آسانی می‌توانیم دوگونه تبیین را شناسایی کنیم: ۱. تبیین‌هایی که عمدتاً به آنچه می‌توان عوامل ساختاری نامید متوسل می‌شوند و ۲. تبیین‌هایی که اساساً به عوامل متعلق به کارگزاری (یا عوامل کارگزارانه) متوسل می‌شوند.

ساختار

«ساختار» اساساً به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای اجتماعی-سیاسی و اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند؛ ولی دانشمندان علم سیاست با توسل به مفهوم بستر یا زمینه، چیزهای بیشتری را در نظر دارند. آنها به ویژه به ماهیت منظم روابط اجتماعی و سیاسی اشاره دارند؛ به این واقیبت که نهادها، اعمال، امور روزمره و آداب و رسوم در طول زمان، نوعی نظم یا ساختار پیدا می‌کنند. پس توسل به مفهوم بستر سیاسی اگر هم بر فرض بیشتری استوار نباشد، بر این فرض استوار است که رفتار سیاسی به منظم بودن گرایش دارد. البته باید یادآوری شود که سخن گفتن از منظم بودن رفتار سیاسی، ضرورتاً دلالت بر این ندارد که پس چنین رفتاری پیش‌بینی‌پذیر است. با وجود این، فرض می‌شود که هر اندازه تأثیر ساختار بیشتر باشد، رفتار سیاسی مورد نظر پیش‌بینی‌پذیرتر خواهد بود (های، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

کارگزاری

کارگزاری به کنش و در چارچوب بحث ما به رفتار سیاسی معطوف است. البته همانطور که مفهوم ساختار دقیقاً معادل بستر نیست، مفهوم کارگزاری نیز دربرگیرنده چیزی بیش از کنش یا رفتار سیاسی است. این مفهوم به‌ویژه دربرگیرنده اراده‌ی آزاد، انتخاب یا اختیار- به این معنا که کنشگر می‌توانست متفاوت رفتار کرده باشد و این گزینش میان شیوه‌های بالقوه کنش، نتیجه تفکر آگاهانه بازیگر بوده است یا دست کم، می‌توانست بوده باشد- است. در این صورت، مفهوم کارگزاری با یک رشته مفاهیم دیگر پیوند می‌خورد؛ از جمله بازاندیشی پایدار (توانایی کنشگر به بازاندیشی و تأمل درباره‌ی پیامدهای کنش پیشین)، عقلانیت (قابلیت کنشگر به گزینش شیوه‌هایی از رفتار که با حداکثر احتمال، شماری معین از خواست‌ها را عملی می‌کند) و انگیزش (میل و انگیزه‌ای که به واسطه‌ی آن بازیگر تلاش می‌کند به مقصود یا هدفی برسد) (های، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، کارگزاری/ عاملیت را نه با صرف عمل بلکه با توانایی ایجاد «تفاوت» باید مورد توجه قرار داد. از این منظر، عاملیت به معنای قابلیت ایجاد تفاوت

است؛ تفاوت «هست» و «خواهد بود» در ارتباط با هر موضوعی. این را می‌توان چنین معنا کرد که عامل برای تحقق تفاوت یعنی ایجاد تغییری مؤثر به «انتخابهای استراتژیک» یعنی انتخاب‌های غایب‌نمند، اقدام می‌کند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۷: ۴۷-۵۱). اساساً توجه به این نکته هم مهم است که قدرت تفکر و برسانندگی معنا به انسان امکان ایفای نقش کارگزاری و عاملیت در پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را می‌دهد. کارگزاران انسانی، کنشگری خود را در فضایی انجام می‌دهند که به آن «فضای کنش» می‌گویند. این فضا می‌تواند از نزدیکترین محیطی که آنها را احاطه کرده است تا محیطی در ابعاد جهانی را دربر بگیرد. تعامل و نسبت میان کنشگران انسانی و فضای کنش، مسئله‌ای مهم است (سلیمی، آهار، ۱۳۹۹: ۱۱).

در رهیافت استراتژیک - نسبتی که باب جسوب آن را مطرح کرده است، رابطه اصلی، رابطه میان ساختار و کارگزاری نیست، بلکه اندرکنش بی‌واسطه‌تر «کنشگران استراتژیک» و «بستر استراتژیک» است که کنشگران در چارچوب آن قرار می‌گیرند. به منظور تأکید بر ماهیت استراتژیک کنش، این رهیافت می‌پذیرد که کارگزاران، از بستری که در آن قرار می‌گیرند، تصویری معین دارند و با گزینش از میان گزینه‌های ممکن، کنش خود را آگاهانه با این بستر سازگار می‌کنند. نقش و سهم جسوب صرفاً شناخت این واقعیت نیست که در کنش استراتژیک، کنشگران موقعیت خود را در ارتباط با محیط می‌سنجند؛ درک و دیدگاه او در ارتباط با اینکه خود محیط استراتژیک از لحاظ استراتژیک گزینشگر است - به بیان دیگر، این محیط، استراتژی‌هایی را بر استراتژیهای دیگر که ابزارهایی هستند، ترجیح می‌دهد - به همان اندازه اهمیت دارد. به طور کلی، مفاهیم استراتژی و گزینشگری استراتژیک، سنگ‌بنای رهیافت استراتژیک - نسبتی را تشکیل می‌دهند؛ یعنی بر پایه این رهیافت، کنشگران موجوداتی آگاه بازاندیش و استراتژیک هستند (های، ۱۳۹۰: ۲۱۸-۲۱۷).

تأثیر متقابل ساختار (سیاسی) ترکیه بر هویت سیاسی - اسلامی جامعه (کارگزاری) ترکیه

تعیین مجدد شخصیت سیاسی و تاریخی یک ملت غالباً مستلزم تلاش فراوان و فداکاری‌های بزرگ است. همچنین هر جامعه‌ای که با دگرگونی‌های بزرگی مواجه است و به صورت ارادی یا قهری از ریشه‌های تاریخی و سنتی، ارزشها و سبک زندگی خود جدا می‌شود، دچار دشواری‌هایی در ابعاد «اقتصادی - اجتماعی» و «فرهنگی - روانشناختی» خواهد شد.

جامعه ترکیه از قرن نوزدهم به این طرف با تغییرات از «بالا» به «پایین» بسیاری از جانب دولت مواجه بوده و با توجه به فرهنگ و ادراک خود از آنها، مبادرت به رد، اصلاح یا قبول این تغییرات کرده است. «نبرد استقلال» ترکیه طی سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲ هویت ترکی را جایگزین عامل دین کرد که تعیین‌کننده‌ی مسلمان بودن جامعه ترکیه بود. این تفکر نتوانست روند تبدیل هویت سنتی به هویت ملی مدنظر خود را تکمیل کند و این امر موجب ایجاد تقابل

بین دین و قومیت شد. اعلام دولت ملی در ترکیه در سال ۱۹۲۳ و تداوم آن تا دهه ۱۹۴۰ با وجود انقلابهای پی در پی با عناوین گوناگون در این کشور، موجب استمرار نگرانی‌ای روانشناختی - فرهنگی و بی‌ثباتی‌های مختلف شد. بسیاری از این تحولات، ضروری و مورد انتظار بودند و حتی در عصر امپراتوری عثمانی نیز مورد توجه قرار داشتند؛ با این حال، برخی دگرگونی‌ها جدید و غیرمنتظرانه بودند. بدون تردید مهمترین و تأثیرگذارترین دگرگونی یا اصلاح دوره‌ی مورد بحث در ترکیه به پذیرش «ایدئولوژی لائیک» مربوط می‌شود. هرچند نظام جمهوری در ترکیه هیچگاه به نفی خدا روی نیاورد و اهمیت و موجودیت دین را نیز انکار نکرد؛ اما نحله‌های بی‌توجه به دین، نظیر لائیسیتیه پوزیتیویستی، ملی‌گرایی و حتی نژادگرایی، دین و نخبگان جریان دینی را از فضای اجتماعی رسمی دور نگه می‌داشتند.

به همین دلیل است که ترکیه در سالهای دهه ۱۹۳۰ با بحران هویت واقعی روبه‌رو بود؛ به نحوی که با نفی میراث عثمانی و ارائه تصاویر بسیار منفی از گذشته کشور، اغلب مردم این احساس را پیدا کردند که در جامعه‌ای بی‌ریشه، ضعیف و بی‌هویت زندگی می‌کنند. از طرف دیگر، اسلام دینی واپس‌گرا، نامطلوب و در برخی محافل، مغایر با طبیعت انسان معرفی می‌شد. بزرگی ابعاد بحران را زمانی می‌توان درک کرد که دین بخش جدایی‌ناپذیر از ساختار فرهنگی و روانشناختی هر جامعه به ویژه ترکیه، تلقی شود. پرسش‌هایی از این قبیل که «ما که هستیم؟، چه هستیم؟ از کجا آمده‌ایم و به کجا در حال حرکت هستیم؟ رهبرانمان ما را به کدام سو هدایت می‌کنند؟» در حال انتشار گسترده در میان مردم بود. این اشتیاق برای آگاهی از هویت واقعی، بزرگترین عامل تحرک ناملموس حیات سیاسی و فرهنگی ترکیه بود. دیدگاه‌های احزاب سیاسی نیز صرف‌نظر از برنامه‌های آنها، قدرت حقیقی خود را تا حد زیادی در تلاش برای کشف این هویت، دگرگونی نظم حاکم یا استمرار نظم «قیمومت - نخبه‌گرا» یافته بودند (صادقیان و محرمی، ۱۳۹۹: ۲۸۹-۲۹۲).

در این میان، «جنبش دیدگاه ملی» که از سال ۱۹۶۹ شروع شده و در میان اهالی ترکیه و نیز ترکهای مقیم آلمان رشد یافته بود، بزرگترین اثرگذاری سیاسی و فرهنگی را در ترکیه داشته است. بزرگترین هدف این جنبش بازگشت ترکیه به اصالت و هویت واقعی خود بود. از طرف دیگر، این جنبش معتقد بود که تجددگرایی جامعه ترکیه تحت تأثیر غرب انجام شده و اینکه غرب به عنوان یک قدرت مسیحی و امپریالیستی به صورت مستقیم یا از طریق اصلاحات انجام شده از سوی طرفدارانش در داخل ترکیه، موجب از بین رفتن خصیصه سنتی «عثمانی - اسلامی» در جامعه شده است. جنبش دیدگاه ملی که غرب را تمدنی مادی‌گرا و متمایل به خشونت قلمداد می‌کرد در کنار بی‌اعتمادی به دموکراسی، مخالف حضور ترکیه در سازمان ناتو و پیوستن آن به اتحادیه اروپا نیز بود و از طرف دیگر، ضمن اتخاذ رفتار خشن در برابر رژیم

اشغالگر قدس، خواستار اتحاد جهان اسلام به رهبری ترکیه و تأسیس سازمان ناتوی اسلامی بود (صادقیان، محرمی، ۱۳۹۹: ۲۹۵).

معهدا، این جنبش و این هویت خواهی راستین با برکناری رهبر آن مرحوم «نجم الدین اربکان» به کلی در حاشیه رفت و در قبال آن شاهد رشد و قدرت گیری جریان اسلامگرایی دیگری هستیم که اساساً ماهیتی هیبریدی و چندرگه‌ای را اتخاذ کرده و در این میان بیشترین آسیب را به روند هویت خواهی راستین جریانهای اسلامگرایی ترکیه وارد کرد^۱. اساساً از آنجا که قدرتهای جهانی متوجه این حقیقت بوده‌اند که گفتمان اسلام سیاسی با مرکزیت گرایشهای تمدنی (منظور جریان اسلامگرایی وابسته به نجم الدین اربکان)، اصلی ترین قوه تغییر آفرین در فضای سیاسی ترکیه است؛ در طول زمان همواره در تلاش بوده‌اند تا به صورت ساختاری زبان و ادبیات این گفتمان را دچار تحریف و تضعیف کنند^۲ که در این سیاست موفق شدند و همگان شاهد ظهور جریان اسلامگرایی عدالت و توسعه با رهبری رجب طیب اردوغان بودند که از اول ماهیتی «ترکیبی - هیبریدی» و «همه گیر، کلی - مبهم / catch-all» داشت.

بنابراین در این بخش به ماهیت سیاسی و هویتی حزب عدالت و توسعه به مثابه «ساختار» و تأثیر آن بر هویت سیاسی - اسلامی جامعه (کارگزاری) ترکیه در دو دهه اخیر، می پردازیم:

حزب عدالت و توسعه در نظامنامه حزبی خود شاخص‌های متعدد «اسلامگرا»، «راست محافظه‌کار»، «دموکرات»، «ملی‌گرا»، «لیبرال / نئولیبرال» را به مثابه هویت ایدئولوژیک خود معرفی می‌کند؛ موضوعی که تحلیلگران و صاحب نظران سیاسی را به این جمع بندی رسانده است که این تنوع هویتی چیزی جز «شگرد سیاسی» نیست! به همین دلیل است که حزب عدالت و توسعه از یک طرف ارتباطش با جریان اسلام‌گرای «دیدگاه ملی» و علاقه مندی به حساسیت‌های دینی را انکار نمی‌کند؛ از طرف دیگر با برقراری ائتلاف‌های مختلف در صدد خلق زبان، فرهنگ و آیین نوین است. در همین راستا، مفاهیم اسلامگرایی، محافظه‌کاری، ملی‌گرایی، لیبرالیسم به عنوان رویکردهای متفاوت جریان راست ترکیه در قواره و مقیاسهای متغیر گفتمان حزب عدالت و توسعه شکل نوین یافتند. بنابراین، حزب عدالت و توسعه را نمی‌توان به مثابه یک حزب «تمام عیار»ی اسلامگرا، حزب محافظه‌کار - دموکرات و یا حزب ملی‌گرای تعریف کرد. در اصل، «سیاست هویتی سیال و مبتنی بر تغییرات اجتماعی» یکی از مؤلفه‌های بازتولید و حفظ قدرت حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شود.

۱. اساساً بعد از دوره سلطان عبدالحمید دوم و قدرت گرفتن جنبش «اتحاد و ترقی ترکان جوان» که تحت نفوذ فکری و ایدئولوژیکی صهیونیسم شکل گرفت و بر جامعه عثمانی حاکم گردید، در ترکیه گرایشات «پان اسلامیم» [که بر اساس آن دفاع و حفاظت از سرزمینهای اسلامی به ویژه فلسطین جامعه عمل می‌یوشید،] همواره از سوی سلاطین عثمانی به ویژه سلطان عبدالحمید دوم دنبال می‌گردید، روبه افول رفت و تاکنون این روند ادامه یافته است.

۲. دو گروه «متأثران از فضای آنگلو ساکسون» و «اوراسیاگرایان ملهم از ذهنیت روسی» به عنوان کانونهای قدرت در ترکیه، بیشترین مخالفت و مانع تراشی را در برابر مرحوم نجم الدین اربکان انجام دادند. به عبارتی دیگر، شاهد یک همکاری مشترک بین دو طرف برای تصفیه جریان اسلام‌گرایی راستین در صحنه سیاسی ترکیه هستیم.

در اصل انتخاب عنوان «دموکرات - محافظه‌کار»، یک تصمیم استراتژیک سیاسی جهت رهایی از تهدید پارانویای کمالیستها و نظامیان بود. بنابراین رهبران حزب عدالت و توسعه تلاش کردند اولاً: ارزشهای اسلامی را در قالب سیاست انعکاس ندهند و یا به تعبیر دیگر اسلامگرایی را رفرنس سیاست‌هایش قرار ندهند؛ ثانیاً: اسلام را به عنوان کُد «فرهنگی - ارزشی» و نه سیاسی ملت ترکیه معرفی نمایند. همچنین مشکل اصلی حزب در بدو تأسیس، کسب «مشروعیت» بود؛ بنابراین در سایه فراگرد ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ و متأثر از ریشه‌های اسلامی خود به «دموکراسی محافظه‌کار» به عنوان هویت و به «موازن کپنهاگ» به عنوان قطب‌نمایی سیاسی برای دستیابی به حکومت روی کرد و درصدد رفع نگرانی‌های موجود [نظامیان و کمالیست‌ها] برآمد. پوشش هویتی حزب در عین حال راهی برای پیوند و تعامل با دیوان‌سالاری حکومتی، برخی روشنفکران و نیز قدرتهایی - به خصوص آمریکا و اروپا - است که نسبت به نیت واقعی آن مشکوک‌اند (پاووز، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۴۶).

در همین راستا احمد تاشگتیرن، روزنامه‌نگار اسلام‌گرای برجسته ترکیه در سرمقاله «درون دموکراسی محافظه‌کار به حد کافی پُر نیست» معتقد است که «مفهوم دموکراسی محافظه‌کار در بافت فراگرد ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ و نیز در فراگرد کسب مشروعیتی خارجی برای حزب عدالت و توسعه طراحی شد و درونمایه آن تنها دستپخت رهبری حزب است». (Taşgetiren, 2005: 55)

معهدا، حزب عدالت و توسعه به‌رغم پیشینه اسلامی‌اش و اسلامی بودن هویت مؤسسانش، از سوی گروه‌های مختلف به ویژه از جانب اسلام‌گرایان در دوره اخیر مورد انتقاد قرار گرفته است. این انتقادات بر دو اساس مبتنی است:

نخست اینکه منتقدان ادعا می‌کنند که حزب عدالت و توسعه با محو و نابودی اسلام‌گرایی، سرمایه‌ها و انرژی [معنوی] مسلمانان را که در دوره‌ای طولانی انباشته شده بود، هدر داد. علی بولاچ را می‌توان به عنوان مهمترین و برجسته‌ترین نماینده این قشر از منتقدین معرفی کرد. بولاچ در نوشته‌های خود از سه زیان عمده و اساسی بحث کرده است که حزب عدالت و توسعه بر اسلام‌گرایان وارد کرده است:

۱. «به عقیده بولاچ، ورود روشنفکران اسلام‌گرا به مناسبات قدرت سیاسی و اداری «فلاکت» بزرگی بود که گریبان‌گیر جریان اسلام‌گرا شد. روشنفکران و اساتید دانشگاه طی فرایندی در مقام استراتژیست‌ها، مشاوران و کارمندان دستگاه اداری به خدمت حزب درآمدند. این درحالی است که به عقیده بولاچ این عناصر در آستانه انجام پروژه‌هایی در جهت تغییر جدی ذهنیت اجتماعی و عملی ساختن اسلام‌گرایی ناب و خالص در صحنه سیاست بودند».
۲. دومین فلاکت بزرگ این بود که گروه‌های دینی و تشکل‌های مدنی از موهبت‌ها و نعمت‌های حاکمیت بهره‌مند شدند و راه ثروت‌اندوزی را در پیش گرفتند و در نتیجه ساخت

غیردولتی و پویایی مستقل خود را از دست دادند. چنین وضعیتی حساسیت گروه‌ها و جماعت‌های دین را به انحرافات اخلاقی، مشکلات اقتصادی و انحطاط اجتماعی از میان برد و آنان را به این مسائل بی‌توجه کرد. این جماعتها و گروه‌های دینی از آنجا که حزب حاکم را از آن خود می‌دانستند به منافع شخصی خود اکتفا نکرده، شروع به استفاده از منافع دولتی کردند و در نتیجه راهبردهایشان را در هماهنگی با جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی تعریف کردند. تمایل حزب عدالت و توسعه به مشارکت در پروژه‌های سلطه‌گران جهانی، مواضع و نگرش جماعت‌های دینی را خدشه دار کرد.

۳. سوم اینکه اسلام‌گرایان ترکیه همچون سایر اسلام‌گرایان جهان اسلام بدون پرسش از ماهیت سهمناک و پر جبروت قدرت مدرن، برای به دست گرفتن آن دست به کار شدند. به عقیده علی بولاچ، حزب عدالت و توسعه یکی از «سطحی‌ترین و حریص‌ترین» نمونه‌های چنین تلاشهایی را به دست داد (بکاراغلو، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۸). بولاچ معتقد است هنوز مسئله اصلی اسلام‌گرایان «خویشتن» نیست؛ بلکه متصل به مسئله غرب و مدرنیسم است و از همه مهمتر از خلق یک «انسان جدید» ناتوان می‌باشد. به اعتقاد ایشان بایست به دهه‌های ۷۰-۸۰ برگشت و تعریف دیگر که آمیخته بر فلسفه، منطق و زبانی آرام بخش باشد، تولید کرد. توغال هم در بخش مقدمه کتاب «سقوط مدل ترکیه: چطور خیزش‌های عربی لیبرالیسم اسلامی را ساقط کرد» با طرح سؤالاتی نظیر «آیا جامعه سیاسی و مدنی بسیار پیشرفته‌تر ترکیه و ساختارهای رشدیافته‌تر و مدرن‌تر به خوبی از پس حملات ناجوانمردانه حزب عدالت و توسعه بر می‌آید؟ آیا لیبرالیسم اسلامی ترکیه نفس‌های آخر خود را در ترکیه می‌کشد؟ معتقد است مدل اسلامی ترکیه در حال شکست است (توغال، ۱۳۹۵: ۳).

همچنین ارجان بلدیریم از نویسندگان و روشنفکران مجله «عمران» که رویکردی اسلام‌گرا دارد، از «لیبرالیسم یا شاید نئولیبرالیسم شدن اسلام‌گرایی، محافظه‌کارشدگی بیش از حد و از دست دادن انگیزش عقلانی» انتقاد می‌کند. ایشان معتقد است «امر «جهاد» دیگر نه با عقیده و باور بلکه با «پول و رأی» محقق می‌شود». همچنین شاهد خلق یک «دبنداری ظفرمند» یا یک «دبنداری توده‌ای» که با یک هویت روانشستی / توسعه طلبی (انتقام جویی) درصدد انتقام است، روبرو هستیم. آکیف امره، سیاست حزب عدالت و توسعه را «منفعت‌گرای جماعتی» توصیف می‌کند. برخی دیگر از تاریخ‌نویسان مشهور و محققین مؤثر حوزه الهیات از جمله احسان حسین سرما از «ضایع شدگی و قطع ارتباط میان جامعه مسلمان و عرصه روشنفکری و روشنگری و پایان دغدغه آنها» انتقاد می‌کند. (Bora, 2017:488-489)

بنابراین به نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه در لفافی از تناقض‌ها پیچیده شده است؛ در عین حال که دموکراسی محافظه‌کار را هویت خود می‌داند درصدد «اصلاح» نظام سیاسی و مناسبات جامعه - حکومت در ترکیه است؛ در حالی که در درون چندان به دموکراسی میدان

نمی‌دهد، پرچم مشارکت سیاسی و کثرتگرایی را بالا می‌برد؛ و نیز در حالی که خود مروج مرکزمداری در ساختار و فرایند تصمیم‌سازی حزب است، بر مرکزگرایی و حکومت محلی به عنوان راه‌حل مشکلات دیوان‌سالاری از نفس افتاده ترکیه تأکید دارد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

در نهایت بر اساس دیدگاه حزب عدالت و توسعه‌ای‌ها، این حزب نه سیاست مبتنی بر هویت، بلکه سیاست «معطوف به هویت» را پیگیری می‌کند؛ یعنی همواره در پی یافتن و تکمیل هویت است (Dağı, 2004:12) اما مسئله اینجاست که هویتی که قرار باشد در طول زمان تکمیل شود به دلیل ظهور متغیرهای متعدد، متنوع و متضاد، همواره ناقص باقی می‌ماند و نتیجه آن سیالیت دائمی در عرصه ایدئولوژیک و سیاست است که خود یکی از موانع مهم تحکیم دموکراسی محسوب می‌شود. به همین دلیل است که علی بولاچ معتقد است عامل اصلی موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه، نه سیاستهای اعلامی درباره سیاست، اقتصاد، فرهنگ و غیره، بلکه «سیاست غیراعلامی اسلامگرایی» است (Yıldız, 2004: 55) و به همین دلیل است که گفته می‌شود حزب عدالت و توسعه هنگام اعلان ایدئولوژی خود به جای بایدها، بیشتر از «نبایدها» سخن می‌گوید به جای «آنچه باشد»، بیشتر «آنچه نباشد» را بیان داشته است. اتفاقاً توده‌ها هم به «آنچه اردوغان می‌گوید» کاری ندارند، بلکه «به چگونگی بیان آن» توجه می‌کنند (Yıldırım, 2002:70).

توغال معتقد است: «رهبران حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کردند «نسخه‌ای به روز شده از اتحاد تاجران، روشنفکران مذهبی و نخبگان حکومتی شکل دهند که به طور سنتی رده‌های پایینی بلوک قدرت را هدف گرفته بود»؛ افزون بر اینها، تجار شهرستانی تازه به ثروت رسیده‌ی منطقه آناتولی مرکزی، پایه و اساس اجتماعی حزب عدالت و توسعه را در دهه‌ی ۱۹۹۰ فراهم آوردند. دفاتر آنها همگی به یک شیوه تزئین شده بود: «ماکتی از پل بسفر، قفسه‌های کتاب آراسته به مجموعه دایره‌المعارف آنابریتانیکا و سجاده‌ای ارزان قیمت از جنس نایلون.» وقتی از آنها پرسیده می‌شد که چرا سجاده را در دفاتر کارشان به نمایش گذاشته‌اند، پاسخ همواره یکسان بود: «در غیر این صورت هیچ کس تمایلی به تجارت با ما نخواهد داشت.» سجاده‌ی نماز، نماد فروتنی و ایمان مذهبی بود و از سوی دیگر آنابریتانیکا-هدیه‌ی تبلیغاتی رایگانی که در آن روزها از سوی روزنامه‌ها و مجلات ارائه می‌شد- نماد احترام به روشنگری. این لایه تازه به دوران رسیده با به کارگیری میلیونها نفر از کارکنان خود، راه را برای اردوغان و صعود حزبی هموار کرد. (توغال، ۲۰۱۶: ۶)

بنابراین در سطور فوق با استناد به موارد مختلف و با اشاره به نظرات گروه‌های اسلامگرا، تلاش شد تأثیر ساختار سیاسی در تغییر ماهیت هویتی اسلامگرایی در ترکیه و رویکرد جریانه‌های اسلامگرا به تصویر کشیده شود.

اسلامگرایان ترکیه و مسأله فلسطین

در این بخش تلاش شده است به «مسئله فلسطین»^۱ از نگاه اسلامگرایان ترکیه به ویژه جریان های اسلامگرا در شهر استانبول بپردازیم؛ به این دلیل که این شهر پایتخت هویت سیاسی و اسلامی ترکیه است و رویکرد این شهر بر کل جامعه ترکیه تأثیرگذار بوده و خواهد بود.

با توجه به فضای حاکم بر کشور ترکیه به ویژه شهر استانبول در خصوص «مسئله فلسطین» سؤال اصلی که به ذهن متبادر می شود این است که «چرا اسلامگرایان ترکیه به ویژه شهر استانبول آنقدر به روز قدس و مسئله فلسطین بی تفاوت هستند؟» به تعبیری جزئی تر «چرا از جمعیت چندهزار نفری مسجد جامع فاتح استانبول، تنها حدود ۵۰۰ نفر در تظاهرات روز قدس شرکت می کنند؟»^۲ یا «چرا از جمعیت بیش از ۱۵ میلیونی استانبول که حداقل نصف آنها وابسته به حزب عدالت و توسعه هستند و گرایشات اسلامگرایانه دارند، بعد از طوفان الاقصی و بحران غزه، چشم بر جنایات رژیم صهیونیستی بسته اند و تنها به اعتراضات محدود بسنده می کنند؟» چرا «رهبران جماعت ها و طریقه های مشهور ترکیه از جمله طریقت نقشبندیه با شاخه های منزجی لر، سلمیانجی لر، ارن کوی، اسماعیل آقا، اسکندریاشا و ... به سیاستهای منافقانه دولت اسلامگرای ترکیه اعتراض نمی کنند؟» چرا «هیچ فراخوان و بیانیه ای در راستای محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی از سوی آنها منتشر نمی شود؟»

به نظر می رسد باید پاسخ این پرسش ها را در دل یک مسئله بزرگتر جای داد: «ماهیت مسئله فلسطین و روز قدس در ترکیه». به نظر می رسد مسئله فلسطین و تظاهرات روز قدس در ترکیه - استانبول، یک برنامه گروهی - حزبی است نه یک برنامه مردمی - ملی؛ به تعبیری دقیقتر، اسلامگرایان ترکیه به موضوع قدس و مسجد الاقصی، بیشتر به عنوان مسئله ای فرهنگی و حقوقی و ابزاری نرم در سیاست داخلی و خارجی می نگرند و هرگز به دنبال گزینه سیاسی - نظامی برای احقاق حقوق فلسطینی ها نبوده اند و در عوض عمدتاً از مدل «دو دولت» برای حل مناقشه اسرائیل - فلسطین حمایت کرده اند؛ حتی اگر در گفتار لحن بسیار تند در مورد اسرائیل و رهبران آن داشته باشند.

به تبع آن، مسئله بحران کنونی غزه هم بیشتر به یک مسئله جزء و جناحی و حزبی تبدیل شده است تا مسئله ملی - هویتی و سیاسی - نظامی. همانطور که سیاست در ترکیه در دستان

۱. مسئله فلسطین نخستین مسأله پیچیده ای است که اعراب و ملت فلسطین با آن مواجه اند. ریشه های این مسأله کهنه است و از دوره ی حاکمیت عثمانی ها بر فلسطین و دیگر ولایات عربی (۱۹۱۸-۱۵۱۶) رفته رفته آشکار شده است. سلاطین دولت عثمانی نسبت به مهاجرت یهودیان با انگیزه ی تشکیل هویت مستقل یهودی، دیدگاه های مخالفی داشته اند. در صورتی که در دوران حکومت سلطان عبدالحمید دوم بین سالهای ۱۹۷۶-۱۹۰۹، مواضع متفاوت و برجسته ای را نسبت به جنبش صهیونیستی می یابیم. معروف بود که وی دشمن صهیونیست ها و نابودکننده ی طرح های صهیونیسم در فلسطین بود؛ از اینرو جنبش صهیونیستی و قدرتهای بین المللی مخالف برای خلع وی از مقام سلطنت توطئه کردند. (حلاق، ۱۳۸۰: ۱)

۲. گفتنی است روز قدس در استانبول در سه منطقه برنامه برگزار می شود: ۱. مسجد فاتح، ۲. اسکله بشیکتاش و عرشه کشتی ماوی مرمره، ۳. سالن یحیی کمال هالکالی.

قدرت گروه‌گرایی است و حزب، انجمن، گروه مفاهیمی هستند که در تعامل با سیاست در ترکیه بسیار شنیده می‌شود؛ مسئله فلسطین و روز قدس هم، بیشتر از آنکه ماهیت عدالت‌خواهی و آزادگی داشته باشد، دغدغه برخی گروه‌های سیاسی و جریان‌ی است که آن هم طیف اقلیت هستند؛ نظیر «حزب سعادت» و حزب «رفاه نوین» که همچنان پایبند نظرات «جنبش دیدگاه ملی» مرحوم نجم‌الدین اربکان هستند و به مسئله فلسطین به مثابه مسئله هویتی و حیثیتی می‌نگرند و اساساً رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسند.^۱

از طرف دیگر، علت را باید در «نوع نگاه مردم ترکیه به فلسطین» جستجو کرد. به طور کلی، سه نوع نگاه در این خصوص وجود دارد: ۱. از منظر حقوق فردی فلسطینیان، ۲. ارض اسلام و مسلمین، ۳. اسرائیل یک دولت آپارتایدی.

نگاه آقای اردوغان مبتنی است بر اهمیت حفظ حقوق فردی فلسطینیان؛ اما نگاه دینداران اصیل استانبول مبتنی است بر ارض اسلام و مسلمین. نگاه چپ‌گرایان نیز بر اساس اسرائیل یک دولت آپارتایدی است.

در نگاه چپ‌گرایان و اردوغان، امکان ارتباط با اسرائیل وجود دارد و مسئله فلسطین هم بر اساس خواست اکثریت فلسطینیان قابل حل است اما در نگاه دینداران اصیل، مسئله ارض اسلام و مسلمین است؛ اگر ارتباطی هم برقرار شد از باب اضطرار می‌باشد. حتی ممکن است فلسطینیان از فلسطین کوتاه بیایند، اما چون ارض اسلام است نباید کوتاه آمد. حال این دینداران چه کسانی هستند؟ همانطور که اشاره شد در جامعه کنونی ترکیه جمعیت بسیار کمی (حداکثر ۵ درصد) را شامل می‌شوند که در چارچوب احزاب سعادت و رفاه نوین تعریف می‌شوند.

معهدا، مسئله مهم این است که در ترکیه با دولتی روبرو هستیم که در آن عامه دینداران عزت پیدا کرده‌اند. در این فضای عزت‌یابی، عامه دینداران به انواع نگاه به فلسطین و اصالت نوع نگاه اردوغان یا سعادت‌چی‌ها و ... کاری ندارند. طرفدار اردوغانی هستند که به آنها و عقاید دینی آنها عزت داده است. هر از چندگاهی هم از آرمان فلسطین آزاد سخن گفته ... بس. نتیجه آنکه عامه دینداران وابسته به جریان حاکم می‌گویند: «به فلسطینی‌ها ظلم می‌شود و اسرائیل ظالم است و ... همین اندازه و بس». (مددلو، ۱۴۰۰: ۲۴۸) به همین دلیل است که منتقدین جریان اسلام‌گرایان بر این باورند رهبران جماعت‌ها و طریقت‌ها بیشتر از آنکه دغدغه اسلام و مسلمین داشته باشند، دغدغه ثروت، قدرت و مقام و منزلت دارند که در طول دو دهه حاکمیت حزب عدالت و توسعه بدان دست یافته‌اند.

۱. شایان ذکر است حزب «رفاه نوین» که رهبری آن را فاتح اربکان فرزند مرحوم نجم‌الدین اربکان برعهده دارد در انتخابات ۳۱ مارس ۲۰۲۴ شهرداری‌های ترکیه بیش از ۳ میلیون رأی آورد و نوانست ۳ شهرداری مهم کشور ترکیه را اذان خود کند. صاحب‌نظران دلیل اصلی پیروزی را انتقاد جدی این حزب از سیاست‌های ضد و نقیض حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری اردوغان در خصوص مسئله فلسطین و بحران غزه می‌دانند.

مسئله دیگر به رویه و رویکرد شناور و متغیر آقای اردوغان نسبت به مسئله فلسطین برمی‌شود که ذیلاً به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱- اردوغان در اوایل سال ۲۰۱۶ در پاسخ به خبرنگارانی که از چرایی مصالحه ترکیه با اسرائیل درباره اتفاق کشتی مرمره پرسیده بودند، گفت: «نیاز داشتیمان به اسرائیل را باید قبول کنیم». (مددلو، ۱۴۰۰: ۲۴۸)

۲- اردوغان در اواخر پاییز سال ۲۰۱۷ در تجمع حزبی‌اش در شهر سیواس یک سخنرانی فوق العاده کرد: «اسرائیل دولت ترور است... اسرائیل دولت اشغالگر است». (مددلو، ۱۴۰۰: ۲۴۸)

۳- آخر سال ۲۰۱۷، روزنامه اسلام‌گرای «ینی شفق» که به حزب عدالت و توسعه نزدیک است یادداشتی نوشت با عنوان «اگر در برابر اسرائیل ارتش اسلام تشکیل شود...» و در آن با عدد و رقم خواست بگوید در صورت اتحاد نظامی کشورهای اسلامی، اسرائیل عددی نیست و اصلاً خود ارتش ترکیه به عنوان ارتشی که عملیات سپرفرات را در سوریه با موفقیت انجام داد، برای مقابله با ارتش اسرائیل کفایت می‌کند. این یادداشت پس از اعلام ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس نوشته شده بود و در آن پیام اردوغان نیز درج شده بود: «کسانی که امروز خود را صاحب قدس می‌دانند، فردا حتی درختی را هم نخواهند یافت که پشت آن پنهان شوند». (مددلو، ۱۴۰۰: ۲۴۸)

۴- بعد از انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس و شهادت تعداد زیادی از فلسطینیان و تجمع مردم استانبول در اعتراض به اسرائیل و آمریکا؛ اردوغان طی سخنانی گفت: «تنها زبانی که ظالم بی اخلاق [اسرائیل] می‌فهمد، زور است... مبارزه واقعی با صهیونیست‌هاست». (مددلو، ۱۴۰۰: ۲۴۸)

۵- بعد از عملیات طوفان الاقصی و بحران غزه، اردوغان بار دیگر همان سیاست دوگانه را پی گرفته است و علی‌رغم انتقادهای بعضاً شدید اللحن علیه نتانیاهو و دولت اسرائیل باز هم اعلام کرد «ما با دولت اسرائیل مشکلی نداریم». (Cumhuriyet haber.tr) اردوغان از یکسو به لزوم برقراری هرچه سریعتر آتش بس تأکید می‌کند از طرف دیگر به نقل از برخی رسانه‌ها خاک کشورش پذیرای بمب افکن های B-B1 آمریکا در پشتیبانی از رژیم صهیونیستی است و هنوز هیچ اقدام عملی برای تحت فشار قراردادن این رژیم انجام نداده است. (Cumhuriyet haber.tr)

اساساً، بعد از طوفان الاقصی و بحران غزه، آقای اردوغان زمانی حاضر شد علیه نتانیاهو و جنایات رژیم صهیونیستی موضع‌گیری کند که مطمئن شد در مذاکرات صلح، جایگاهی برای ترکیه تعریف نشده است. به عبارتی دیگر، پس از حمله طوفان الاقصی، دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه در آغاز موضع محتاطانه‌ای در پیش گرفتند و حتی حاضر نشدند به طور

جدی از حماس حمایت و از رژیم صهیونیستی انتقاد کنند اما بعد که فهمیدند «سیاست مناجیگری و محافظ صلح‌شان» جامه عمل نخواهد پوشید، شروع به تغییر رویکرد کردند. نکته دیگر اینکه، اردوغان در سخنرانی‌های خود، همواره علیه بنیامین نتانیاهو حرف می‌زند و نه در مورد رژیم اسرائیل.

حتی برخی از تحلیلگران ترکیه‌ای معتقدند موضوع غزه و جنایات اسرائیل برای اردوغان و حزب عدالت و توسعه به یک مسأله داخلی تبدیل شد و مدتی به نمایشهای مداوم در مورد نقش ترکیه در تأمین صلح که بیشتر مصرف داخلی داشت مبدل شد و تاکنون نتوانسته در قبال حملات صهیونیست‌ها، «ماهیت بازدارنده یا توقف رابطه» را به ذهن متبادر کند. منتقدین دولت ترکیه، حتی تصمیم اردوغان برای برگزاری میتینگ چند میلیون نفری در استانبول (۲۸ اکتبر ۲۰۲۳) به منظور محکوم کردن اسرائیل را، نوعی نیرنگ و فریب سیاسی قلمداد کردند و گفتند این مراسم دقیقاً یک روز قبل از یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه برگزار می‌شود بنابراین هدف اصلی اردوغان و هم‌حزبی‌هایش، کمک به غزه نیست بلکه سایه انداختن بر مراسم بزرگداشت سالگرد جمهوری و به حاشیه راندن کمالیست‌ها و هواداران آتاتورک است.

مسئله دیگر به الگوی سیاستگذاری خارجی دولت اردوغان در ترکیه در قالب الگوی «سیاستگذاری اقتصادمحور و تجارت‌پیشه» بر می‌شود. به طوری که یکی از نشانه‌های این الگو را در رفتار ترکیه در تحولات فلسطین و غزه می‌توان مشاهده کرد. الگویی که از یک دوگانه سیاست‌اعلامی تبلیغاتی جعلی و یک سیاست‌اعمالی نهانی واقعی تشکیل شده و راز بقای حکمرانی اردوغان و ترکیه در سپهر سیاسی داخلی و نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. به همین دلیل است که علی‌رغم انتقادهای گسترده داخلی و خارجی علیه تداوم روابط اقتصادی و تجاری ترکیه و اسرائیل، هنوز نه صادرات محصولات غذایی و نه ارسال نفت و گاز از ترکیه به اسرائیل متوقف شده است. هنوز هم علاوه بر سیمان و محصولات نساجی، ۶۵ درصد فولاد مصرفی در این کشور از ترکیه تأمین می‌شود. به طور کلی، حجم تجارت میان ترکیه و اسرائیل از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۳، ۵۳۲ درصد افزایش یافته است.

اگرچه بر اساس برخی ادعاهای مقامات تجاری و سیاسی ترکیه، میزان صادرات ترکیه به اسرائیل در مقایسه با سال ۲۰۲۲، ۲۳ درصد کاهش داشته است^۱ و رقم ۵،۴۳ میلیارد دلار ثبت کرد. میزان صادرات در سه ماه اول سال ۲۰۲۴ هم با ۲۱،۶ درصد کاهش نسبت به مدت

۱. اگرچه عمر بولات وزیر تجارت ترکیه در مصاحبه با خبرگزاری آنا تولی گفته است: «از ۷ اکتبر، تجارت متقابل ما با اسرائیل نسبت به مدت مشابه سال گذشته، بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است». <https://www.aa.com.tr/tr/ekonomi/bakan-bolat-israil-ile-karsilikli-ticaretimiz-yuzde-50den-fazla-azaldi/3046584> اما بر اساس داده‌های وزارت بازرگانی ترکیه، صادرات به اسرائیل که در ماه نوامبر ۲۰۲۳، ۳۱۹،۵ میلیون دلار بود در دسامبر با ۳۴،۸ درصد افزایش، به ۴۳۰،۶ میلیون دلار رسید. این رقم حتی از صادرات ۴۰۸،۳ میلیون دلاری در ماه ژوئیه قبل از حملات ۷ اکتبر نیز بیشتر است. این افزایش به معنای واقعی رسوایی برای رهبران حزب عدالت و توسعه محسوب می‌گردد؛ به طوری که بلال اردوغان، پسر رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه نگران از این موضوع، صاحبان سرمایه ترکیه را تهدید می‌کند و می‌گوید: «صاحبان سرمایه باید مراقب باشند». <https://artigercek.com/ekonomi/israile-ihracat-aralik-ayinda-yuzde-35-artti-279191h>

مشابه سال گذشته به ۱,۱۴ میلیارد دلار رسید^۱. به طوری که وزارت اقتصاد ترکیه در ۹ آوریل ۲۰۲۴، اعلام کرد صادرات ۵۴ گروه محصول که در کل ۱۰۱۹ محصول می‌شود به اسرائیل ممنوع شده است. این محصولات شامل فولاد سیمانی و مصالح ساختمانی آهن و کودهای شیمیایی است. در این خصوص مجمع صادرکنندگان ترکیه (TİM) که نماینده ۲۴ بخش و بیش از ۱۴۰ هزار صادرکننده است با انتشار بیانیه‌ای از تصمیم دولت در خصوص رژیم صهیونیستی، پشتیبانی کرد^۲. (<https://borna.news/fa/news>)

به طور کلی از زمان به قدرت رسیدن اردوغان در ترکیه، یعنی از سال ۲۰۰۳ تاکنون، رابطه اسرائیل بر از فراز و نشیب بوده است اما همواره حداقلی از ارتباط با رژیم صهیونیستی حفظ شده است. حتی قطع رابطه با رژیم صهیونیستی در جریان کشتی مرمره و شهادت تعدادی از عدالت طلبان نتوانست دوام داشته باشد و اردوغان با گفتن جمله «به اسرائیل نیاز داریم...» آب سردی بر حرارت عدالت‌طلبی آن بخشی از اسلامگرایان ترکیه پاشید که تصور می‌کردند به رهبری اردوغان، پس از دمشق! نوبت به آزادی بیت المقدس خواهد رسید.

انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر ساختار / کارگزار اسلامگرا و مسأله فلسطین

در این بخش تلاش شده است تاریخچه آشنایی جامعه ترکیه با انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن روند ادراک مفاهیم گفتمان مقاومت و آزادی سرزمین‌های اشغالی و بیت‌المقدس را مورد بررسی قرار گیرد.

پس از شروع جنگ سرد و گسترش فعالیت‌های اسلامی در ترکیه، جریان‌های اسلامی ترکیه متوجه ضعف نظری خود در رابطه با مسائل عصر مدرن و اسلام شدند. این جریان‌ها با پرسشهایی مواجه شدند که توان پاسخ‌دهی به آنها را نداشتند^۳ (مددلو، ۱۴۰۰، ۱۹۵). انقلاب

۱. بیانیه‌های وزارت کشاورزی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که از هشتم اکتبر ۲۰۲۳ تا ۱۱ فوریه سال ۲۰۲۴، شرکت‌هایی از ترکیه و اردن بیشترین صادرات محصول را به فلسطین اشغالی داشته‌اند. شرکت‌های ترکیه به تنهایی ۳۹,۷۱۳ تن سبزیجات و سیب صادر کرده‌اند. این شرکت‌ها در حل بحران امنیت غذایی کشاورزی حاکم بر این رژیم و کاستن از فشار افزایش قیمت‌ها در نتیجه کمبود محصولات، کمک کرده‌اند. (<https://www.asirran.com/fa/news/946198>)

۲. گفتنی است طبق آخرین بیانیه وزارت بازرگانی ترکیه «معاملات صادرات و واردات در رابطه با اسرائیل متوقف شده است و تمامی محصولات را پوشش می‌دهد». به طوری که یسرائیل کاتر وزیر امورخارجہ اسرائیل در شبکه X نوشت: «یک دیکتاتور اینگونه رفتار می‌کند و منافع مردم و بازرگانان ترکیه موافقت‌نامه‌های تجاری بین المللی را نادیده می‌گیرد.» وی ادامه داد: «رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه با مسدود کردن بندر برای واردات و صادرات اسرائیل، توافقات را زیر پا می‌گذارد.» (خبرآنلاین، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳)

۳. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که کنشگران ترکیه‌ای به ویژه اسلامگرایان چگونه با محیطی که در آن قرار دارند برخورد می‌کنند و بستر، چگونه شاخص‌های کنشهای ممکن برای کنشگران را محدود کرده است. البته این مسئله از گذشته‌های پیش از یک قرن متأثر است؛ یعنی از سالهای ۱۹۰۸ به بعد هنگامی که «انجمن ترکیه جوان» در دولت عثمانی به قدرت رسید. تا قبل از این دوره، خلفای عثمانی توجه ویژه‌ای نسبت به مسائل فلسطین داشته و هرگونه دخالت در امور این کشور به‌خصوص اقدامات یهودی‌ها با واکنش جدی خلفا مواجه بود. اما در سالهای قدرت گرفتن این انجمن، شاهد مهاجرت یهودی‌ها به سرزمین فلسطین و نفوذ این افراد در دستگاه حکومتی ترکیه هستیم. [کالن، مورخ یهودی معترف است بیشتر اعضای جمعیت اتحاد و ترقی را «دوئمه» ها و یا تبعیدی‌ها و شاگردان مکتب سیاسی اروپا بودند و سرمایه‌داری جهانی از طریق اتریش، بوداپست، برلن، و چه بسا لندن و پاریس به آنها کمک‌های مالی می‌نمودند. (حلاق، ۱۳۸۰: ۶۷) گانیر، نیز بر این عقیده است که یهودیان سالاتیک وابسته به محافل فراماسونری این توانایی را داشتند که کارگزاران دولتی عثمانی را که در آینده عهده‌دار مسئولیت خواهند شد، تعیین نمایند. ضمن اینکه مبانی بنیادین مورد نظر جمعیت تحت تأثیر جنبش سری صهیونیسم شکل می‌گرفت. واقعیت این است که بعد از انقلاب سال ۱۹۰۸ نفوذ یهودیان علاوه بر بدنه قدرت عثمانی در ترکیه، در فلسطین نیز زیاد شد. (حلاق، ۱۳۸۰: ۸۳) این سیاست تا زمان قدرت گرفتن حزب رفاه نجم الدین اربکان در سالهای ۱۹۹۰ ادامه داشت. لذا جریان اسلامگرای ترکیه تحت

اسلامی هیجان بسیاری را در میان اسلامگرایان ترکیه برانگیخت. در نوشته‌های آنها انقلاب اسلامی ابزاری برای رهایی جوامع اسلامی از خواب غفلت و افزایش اعتماد به نفس آنان بود؛ چراکه انقلاب اسلامی اثبات می‌کرد اسلام تنها محدود به اعمال و عبادات فردی نبوده و دینی اجتماعی - سیاسی است.^۱

دو ویژگی اصلی موفقیت نیروهای انقلابی جمهوری اسلامی در صدور انقلاب اسلامی، خروج از قیدوبندهای دیپلماتیک و برقراری ارتباط با عموم جامعه ترکیه بود. به یک معنا در سالهای نخست پس از انقلاب اسلامی نوعی از دیپلماسی فعال مردم‌محور شکل گرفت که به نهادهای رسمی کشور مقصد، توجهی نداشت و تمام توان خود را بر روی تبیین انقلاب اسلامی گذاشته بود؛ نیروهای ایرانی حتی جماعت‌ها و طریقت‌های دینی را نیز مخاطب خود در نظر نگرفته و عموم مردم مسلمان ترکیه مخاطب آنان بودند. از جمله رابطین جریانهای اسلامگرایی ترک با نیروهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران در آن دوره، می‌توان به «رجب طیب اردوغان»، «عبدالله گل»، «علی بولاچ»، «محمّد گورمز»، «عبدالرحمان دپلی‌پاک» اشاره کرد. اگرچه مردم‌محوری به عنوان یک اصل در صدور فرهنگی انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده بود اما حضور غیررسمی جریان «دیدگاه ملی» اربکان در این فرایند غیرقابل انکار است (مددلو، ۱۴۰۰، ۱۹۵-۱۹۹).

معهدا، فرایند تجلی و اشاعه انقلاب اسلامی در جامعه ترکیه را به این دلیل در این بخش مورد توجه قرار دادیم تا اولاً «فضای جامعه ترکیه یعنی همان روند کارگزاری و عاملیت و ماهیت اسلامگرایی و اسلام سیاسی در آن کشور» را به تصویر بکشیم و ثانیاً با توجه به همان روند و تأثیر آن، وضعیت کنونی جامعه ترکیه را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

آنچه مشخص است اینکه بعد از سالهای اولیه انقلاب، بحث انتقال مفاهیم انقلاب اسلامی به عنوان یک فرهنگ، ایدئولوژی و یک روش فکری و معرفتی در کشور ترکیه با موانع‌ای مواجه شد که عمدتاً ساختاری بود؛ در سالهای ۱۹۸۰ در ترکیه کودتاهای نظامی رخ داد و فضای برای گروه‌های سیاسی چپ و اسلامی به شدت محدود شد و در ایران هم با شروع جنگ تحمیلی اساساً فضا برای تقویت ارتباطات و توسعه آرمان‌های انقلاب در کشور ترکیه بسته

تأثیر اندیشه‌ها و ایدئولوژیهای جریان وابسته به یهود در ساختار حاکم بودند که حتی برخی صاحب‌نظران پذیرش و به رسمیت شناختن اسرائیل توسط ترکیه (اولین کشور مسلمان) در سال ۱۹۵۰ که دوره حکمرانی عدنان مندرس رئیس جمهوری اسلامگرا بود، را ناشی از همین مسئله می‌دانند. این روند در دوره رهبری تورگوت اوزال رهبر اسلامگرایی دیگر هم تاحدودی تکرار شد و روابط ترکیه و اسرائیل تقویت و توسعه یافت و این روند تاکنون ادامه دارد.

۱. نفوذ امام خمینی (ره) در میان جوانان اسلامگرایی آن روز ترکیه را می‌توان از مطالعه زندگی شهید «متین یوکسل» فهمید. شهید یوکسل جوان متدین اهل سنت و مسئول جنبش آکنتچلار شعبه محله فاتح استانبول و در واقع مؤسس آن شعبه در سال ۱۹۷۶ بود. (2018, islami analaiz) شهید یوکسل دیدگاهی امت‌گرا داشت و در حوزه مبارزات جهان اسلام همچون فلسطین فعال بود. شهید یوکسل در یکی از سخنرانی‌های خود خطاب به مردم قیام کرده ایران بیان داشته بود که «وطن تو وطن من نیز هست. تو از آن سوی زنجیرها را پاره خواهی کرد و من از این سوی. روزی دستانمان را به یکدیگر گره خواهیم زد. برای رسیدن به نور، برای وحدت، برای اسلام.... مردم مسلمان ترکیه، در این مبارزه خلق ایران تماشای نخواهد بود و هیچ مسلمانی تماشای نخواهد بود.» (tekin, 2018)

شد. در سالهای بعد از جنگ هم دو اتفاق دیگر همزمان رخ داد: ۱. در ترکیه جریان اسلامگرایی در رأس قدرت قرار گرفتند که برخلاف سلف خود یعنی جریان دیدگاه ملی اربکان، اعتقاد راسخی به ماهیت راستین اسلامگرایی نداشت و اساساً ماهیت مبهمی را برگزیدند که سنخیت چندانی با اسلامگرایی از نوع انقلاب اسلامی ایران نداشت.

۲. در ایران هم با روی کار آمدن جریان سازندگی و اصلاح طلب که آنها هم اساساً ماهیت چندرگه‌ای و هیبریدی داشتند، اعتقاد راسخی به صدور انقلاب بر مبنای هویت انقلاب اسلامی ایران نداشتند؛ بنابراین اساساً بحث صدور انقلاب در ترکیه و ارتباط با جریانهای سیاسی و مردم به حاشیه رفت و تنها به برقراری ارتباط با جمعیت اندک شیعیان که آنهم سلیقه‌ای و مقطعی صورت می‌گرفت، اکتفا شد.

بنابراین اگر دو ویژگی اصلی موفقیت نیروهای انقلابی جمهوری اسلامی در صدور انقلاب اسلامی، یعنی «خروج از قیدوبندهای دیپلماتیک» و «برقراری ارتباط با عموم جامعه ترکیه» همچنان پایدار می‌ماند؛ امروزه شاید «رهای جوامع اسلامی از خواب غفلت و افزایش اعتماد به نفس آنان» به شعار اصلی عموم مردم و جریانهای اسلامگرای ترکیه مبدل می‌گشت.

نمونه بارز «رهای جوامع اسلامی از خواب غفلت و افزایش اعتماد به نفس آنها» را در بحث فلسطین می‌توان جستجو کرد. اگر بر تعداد «شهید یوکسل»های جامعه ترکیه هر روز افزوده می‌شد امروز همانند کشور ایران رژیم صهیونیستی تا این اندازه نمی‌توانست در کشور ترکیه نفوذ پیدا کند و گروه‌های اسلامگرا هم به جای نظریه «دو دولت مستقل»، نظریه «بازیسگیری سرزمین‌های اسلامی» و نابودی رژیم صهیونیستی را مطالبه می‌کردند. به تعبیری دیگر، اگر اسلام‌گرایان ترکیه به دقت متوجه مسائل، تحولات و تغییرات محیط کنش خود می‌شدند و برای زیست خود در این فضا ایده‌پردازی می‌کردند؛ ایده‌هایی که معنایم بودند از این جهت که با توجه به الزامات بستر کنش یعنی «واقعیت جهان اسلام و مسئله فلسطین»، بر ساخته می‌شدند و دربردارنده‌ی قصد و نیت واقعی برای انجام کنش انسانی بودند.

باید متوجه بود که ادراک در انسان فقط شامل اعمال تجربی مبتنی بر حواس نمی‌باشد؛ بلکه ادراک نوعی فهم از محیط پیرامونی و رویدادهای آن را نیز شامل می‌شود. فهمی که می‌تواند افکار و ایده‌هایی را در ذهن انسان برای نیل به مقصودی خاص بیوراند. چنین ادراکی را «ادراک ایده‌پردازانه» می‌نامند. وقتی که ادراک، ما را با جهان بیرون از ذهن مرتبط می‌کند امکان شناختی را برای ما میسر می‌کند که سرانجام با ساخت معنا منتهی خواهد شد. از این منظر، ادراک می‌تواند بنیان «ایده» باشد. در جریان ادراک ایده‌پردازانه، انسان سعی می‌کند به فهمی درست از مسائل جهان بیرونی دست پیدا کند زیرا که می‌بایست نسبت به آن واکنش نشان دهد. بنابراین اگر جامعه اسلامگرای ترکیه، همزمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران که به فهم درست از محیط جهان اسلام دست یافت، محیط جهان اسلام را به درستی درک می‌کرد

و متناسب با آن سیاست‌ورزی می‌کرد؛ به تدریج بنیان ایده‌ی «آزادسازی فلسطین و روز جهانی قدس» در ترکیه بنیان نهاده می‌شد به طوریکه، امروزه نه ساختار (سیاسی) ترکیه در مسائل مرتبط با جهان اسلام و مسئله فلسطین تا این اندازه دچار دوانگاری می‌شد و نه کارگزاری (جماعت‌های اسلامی و دیگر احزاب و جریان‌های اسلامی) ترکیه تا این حد منفعل و نظاره‌گر بودند.

نتیجه‌گیری

قبل از نتیجه‌گیری و جمع‌بندی به نظر می‌رسد با توجه به فضای حاکم بر افکار عمومی جهان (به ویژه دنیای غرب) نسبت به بحران غزه و جنایات ضدحقوق بشری رژیم صهیونیستی، می‌توان با صدای بلند مدعی شد که برخلاف ادعاهای برخی نظریه‌پردازان و تحلیلگران مبنی بر گرفتار شدن کارگزار غربی در «قفس آهنین» نظام سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم؛ سوژه انسانی به مثابه کارگزار و عاملیت، هنوز زنده است و می‌تواند نقش «کنشگری فعال» و «کنشگری استراتژیک» را به درستی و به نحو احسن جامه عمل بپوشاند.

به‌عنوان مثال، «بیونگ چون هان» از متفکران مطرح آلمان نئولیبرالیسم گفته است «نئولیبرالیسم از هر شهروند یک مصرف‌کننده، ساخته و آزادی شهروند در برابر انفعال مصرف‌کننده، رنگ باخته است و به همین دلیل انتخاب‌کننده‌ی امروز، علاقه‌ای به سیاست ندارد» (صادقیان، اسدی، ۱۳۹۸: ۳-۲) اما امروز در جوامع غربی خلاف این ادعا را شاهد هستیم؛ کنش و رفتار شهروندان در جوامع غربی نشانگر تعارض و تقابل میان ساختار و کارگزار است و اینکه همچنان می‌تواند استقلال فکری و عملی داشته باشد. راهپیمایی‌های گسترده و تحسین‌برانگیز مردم در کشورهای غربی در دفاع از مردم غزه و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، مؤید این ادعاست. بنابراین به نظر می‌رسد امروز، عامل انسانی و کارگزاری در جوامع غربی در حال گذار از قلمرو ضرورت (آنچه هست) به قلمرو «آنچه خواهد بود» یا «آنچه باید باشد» است؛ و این دقیقاً خلاف نظریه هان است که معتقد بود «ما وارد یک عصر «روان سیاست دیجیتالی» شده‌ایم که در حال گذار از «نظارت منفعلانه» به «هدایت فعالانه» است». امروز جامعه انسانی در غرب اثبات کرد که «هدایت‌پذیر» نیست و می‌تواند با کسب آگاهی راستین، استقلال فکری و عملی داشته باشد.

معهدا، وقتی به جامعه ترکیه برمی‌گردیم و مسئله فلسطین و غزه و رابط ترکیه با رژیم صهیونیستی را از منظر ساختار و کارگزار دنبال می‌کنیم؛ به نظر می‌رسد بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در این کشور همچنان روند تقابل و تعامل به صورت روندی دوسویه حاکم است؛ هرچند به

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص ر.ک: به مقاله «شگردهای نئولیبرالیسم برای مسخ آزادی» (محمی، ۱۳۹۸). منبع: رادیو زمانه: <https://www.radiozamaneh.com/441931>

نظر می‌رسد تداوم بحران در غزه و تشدید جنایات رژیم صهیونیستی، موج انتقادات و اعتراضات را نسبت به سیاستهای دولت حاکم ترکیه تشدید کرده و روند ارتباطی ساختار و کارگزار بیشتر به سمت تقابل پیش می‌رود و بعید نیست برخلاف سالهای قبل، اینبار کارگزاری (جامعه ترکیه) هم به گذار از قلمرو ضرورت (آنچه هست) به قلمرو «آنچه خواهد بود» یا «آنچه باید باشد» قدم بردارد؛ و اساساً بخواید نقش «کنشگری فعال» و «کنشگری استراتژیک» را به درستی و به نحو احسن انجام دهد.

معهدا، هنوز فاصله میان کارگزاری / عاملیت جهان غرب و جهان شرق بسیار است؛ چرا که در جهان غرب، کارگزار با ساختاری مواجه است که اساساً با مسئله فلسطین و غزه عناد و دشمنی دارد و حامی سرسخت رژیم صهیونیستی است و همواره کارگزاران و کنشگران حامی فلسطین را مورد تهدید و ارباب قرار می‌دهد. این درحالی است که در جهان شرق به ویژه کشورهای اسلامی با ساختاری مواجه هستیم که اساساً حداقل در زبان و گفتار حامی فلسطین است و جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم می‌کند. بنابراین فضای حاکم بر این جوامع قابل مقایسه با جوامع غربی نیست؛ به همین ترتیب هم انتظار از کنشگران جهان شرق به ویژه کشورهای اسلامی جهت کنشگری و اقدام مقتضی بسیار بالا است.

متأسفانه همانطور که در متن پژوهش به آن اشاره و تأکید شد اساساً مسیر و روند آگاهی و ادراک جامعه انسانی کشور ترکیه از مسئله فلسطین همانطور که با وقوع انقلاب اسلامی شکل گرفته بود، ادامه نیافت و به ویژه با حاکم شدن جریان اسلامگرایی حزب عدالت و توسعه به جای جریان «دیدگاه ملی» مرحوم نجم الدین اربکان، ماهیت جریان اسلامگرایی ترکیه هم تحت تأثیر هویت هیبریدی - چندرگه‌ای ساختار حاکم قرار گرفت بنابراین به جای کنشگری فعال در این عرصه به عنصری منفعل مبدل گشت و نهایتاً همگام با رویه فرمالیته و صوری رهبران‌شان به محکومیت زبانی اکتفا کردند و از مسئله «ارض اسلام و مسلمین» به مسئله حقوق فردی فلسطینیان و تشکیل دو دولت مستقل، گرایش پیدا کردند.

در طول دو دهه اخیر، گروه‌ها و جماعت‌های اسلامی در ترکیه، چنان از موهبت‌ها و نعمت‌های حاکمیت بهره‌مند شدند و راه ثروت‌اندوزی را در پیش گرفتند که نتیجتاً ساحت غیردولتی و پویایی مستقل خود را از دست دادند و تابع منویات ساختار حاکم شدند؛ وگرنه جماعتها و طریقت‌ها که اساساً در ترکیه به «چهارراه سیاست» مشهور هستند و هر رهبر سیاسی برای پیروزی در انتخابات مجبور به دست‌بوسی رهبران طریقت‌ها می‌شود در چنین مواقعی با فتاوا و فراخوان‌هایشان می‌توانند جامعه مسلمان ترکیه به اعتراض و مقاومت وادارند. همچنین نقش سازمان دیانت در این وضعیت حساس و تاریخی به کلی هیچ است و هیچ... این درحالی است که به این سازمان بالغ بر ۳۵ میلیارد لیر در سال ۲۰۲۳ بودجه تخصیص یافته بود که نسبت به سال قبل ۱۱۷ درصد افزایش داشته است. همچنین در سال ۲۰۲۴ بیش

از ۹۲ میلیارد لیر بودجه تخصیص داده شده است. (<https://yenidunya.org/>;"Diyanet'in")
 "bütçesi bakanlıkları yine geçti" معهذاً به نظر می‌رسد مسئله بحران غزه، شوکی را به جامعه اسلامگرای ترکیه وارد کرده است و در صورت تداوم این وضعیت، روند حاکم میان ساختار سیاسی و کارگزاری (جریان های اسلامگرا و به ویژه افشار متدین جامعه ترکیه) را به سمت تقابل و تضاد عمیق خواهد کشاند. رخدادی که صورت اولیه آن را در انتخابات ۳۱ مار ۲۰۲۴ شهرداری‌ها شاهد بودیم؛ به طوریکه ماحصل آن شکست سنگین حزب عدالت و توسعه در کل ترکیه به ویژه مناطق اسلامگرا و محافظه‌کار ترکیه بود.

بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی مقاله حاضر که «آیا بحران غزه، تقابل و یا تضاد میان ساختار و کارگزاری جامعه ترکیه را افزایش خواهد داد؟» جواب مثبت است و نتایج انتخابات شهرداریها هم در تأیید این مدعاست. به نظر می‌رسد به غیر از برخی جریانها و طریقتهای دینی که از یک طرف گرفتار سیاستهای ضد و نقیض اردوغان شده‌اند و از طرف دیگر مجذوب مقام و ثروت و قدرت هستند؛ بخش اسلامگرای متدین جامعه ترکیه به همراه بخش بزرگی از گروه‌های آزادیخواه و حامیان حقوق بشر از طیف‌های گوناگون ملی‌گرا، جمهوریخواه و سکولار و... مخالف سیاستهای ضد و نقیض و پوپولیستی حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان هستند. تداوم وضعیت کنونی تضاد و تقابل میان این دو گروه را به مراتب افزایش خواهد داد و بعید نیست آقای اردوغان و حزیش در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی آینده (۲۰۲۸) شکست سنگین دیگری را متحمل شوند و شاهد افول بیش از پیش روند اسلامگرایی در ترکیه باشیم. شاید به تعبیر توغال، لیبرالیسم اسلامی ترکیه نفس‌های آخر خود را در ترکیه می‌کشد و در اصل مدل اسلامی ترکیه در حال شکست است و به تعبیر بولاچ اسلامگرایان ترکیه برای احیای خویش، می‌بایست به دهه‌های ۸۰ و ۹۰ برگردند و باردیگر در جستجوی اصالت و هویت واقعی خود باشند.

در خصوص پاسخ به سؤالات فرعی؛ اینکه تأثیر تقابل و تضاد بر سیاستهای ساختار حاکم چه خواهد بود؟ آیا شاهد تغییر سیاستهای حزب حاکم در مسائل منطقه‌ای خواهیم بود؟ آیا رویکرد دولت ترکیه در خصوص تشکیل دو دولت مستقل در فلسطین تغییر پیدا خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد، اولاً به جهت ماهیت چندرگه‌ای و ترکیبی ساختار حاکم و ثانیاً به جهت شخصیت و روحیه متزلزل و شناور شخص رجب طیب اردوغان و ثالثاً به جهت ارتباطات و معادلات سیاسی و اقتصادی کشور ترکیه با جهان غرب (و رژیم اسرائیل^۱) و جهان اهل تسنن (که تماماً موافق رویکرد دو دولتی هستند) بعید است در سیاستهای ساختار حاکم و به ویژه در خصوص پروژه تشکیل دو دولت در فلسطین، تغییری حاصل شود. بعلاوه، دورنمای ایدئولوژی

۱. در سال ۲۰۰۶، ترکیه بزرگترین شریک تجاری اسرائیل در جهان اسلام بوده است. همچنین بر اساس آمار منتشر شده، در سالهای ۲۰۰۴-۱۹۹۰ از ۷ میلیون جمعیت اسرائیل، ۳،۲۹۸،۰۰۰ نفر به ترکیه سفر کرده‌اند که درخور توجه است.

سیاسی دولت حاکم با توجه به بحران‌های عدیده داخلی، چشم‌انداز مبهم خود اردوغان، و همچنین وزن‌کشی جریان‌های مختلف مدعی قدرت در داخل حزب عدالت و توسعه، قدرت و نفوذ جماعت‌ها - طریقت‌های دینی با عدم قطعیت‌هایی مواجه است که این مسئله، تصمیم رهبران سیاسی حاکم جهت تغییر و تحول در سیاست‌های کنونی را با مشکل مواجه کرده است و رهایی از آن به تعبیری سخت و ناممکن است.

کتابنامه

- استراوس، آنسلم، کریین، جولیت (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، مترجم: ابراهیم افشار، انتشارات: نی، تهران.
- بابایی فرد، اسداله، (۱۳۹۴)، گفتارهایی انتقادی در جامعه‌شناسی؛ معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و نظریه‌پردازی، انتشارات: جامعه‌شناسان، تهران.
- بکاراوغلو، ادیب آصف (۱۳۹۰)، «حزب عدالت و توسعه از منظر منتقدان»، میان رشته‌ای: گفتگو، اسفند ۱۳۹۰، شماره ۵۹، از ۱۹ تا ۲۸.
- توغال، جهان (۲۰۱۶)، سقوط مدل ترکیه، مترجمین: محمود شوشتری، رضا جاسکی، نشر لیبالیسم ورسو: لندن - نیویورک.
- چاغانپنای، سونر (۱۳۹۷)، سلطان جدید؛ اردوغان و بحران در ترکیه مدرن، مترجم: مهدی قراچه‌داغی، نشر: نسل نواندیش، تهران.
- حلاق، حسن (۱۳۸۰)، نقش یهود و قدرتهای بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت (۱۹۰۹-۱۹۰۸)، مترجمین: حجت‌الله جودکی و احمد درویش، انتشارات: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
- صادقیان، حسن، اسدی، عباس (۱۳۹۸)، «میزان تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی و مجازی بر فرآیند دموکراتیزاسیون (مطالعه موردی دولت حزب عدالت و توسعه؛ ۲۰۰۲ تاکنون)؛ مجله علوم خبری، ۸ (۳۰): ۱۷۵-۱۹۴.
- صادقیان، حسن، محرمی، مصطفی (۱۳۹۹)، تاریخ مختصر ترکیه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، تأملی بر تکنیک «ردیابی فرآیند» در مطالعات انقلاب اسلامی، فصل‌نامه علمی - پژوهشی متین، شماره ۴۰.
- قاضی‌زاده، حسن (۱۳۹۷)، گذارها به دموکراسی، انتشارات: اختران، تهران.
- کافی، مجید (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی تاریخی (مبانی، مفاهیم و نظریه‌ها)، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کدیور، محمد علی، (۱۳۸۶) گذار به دموکراسی. (ملاحظات نظری و مفهومی)، تهران: نشر گام نو.

- محبی (۱۳۹۸) «شگردهای تئولبرایسم برای مسخ آزادی»؛ منبع: رادیو زمانه: <https://www.radiozamaneh.com/441931>
- مددلو، رامین، (۱۴۰۰)، همراهی خون و خدا، شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، مترجم: احمد گل‌محمدی، نشر نی، تهران.
- یاووز، هاکان (۱۳۸۹)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، مترجم: احمد عزیزی، تهران، نشر نی.
- الیوت، آنتونی، ترنر، برایان (۱۳۸۹)، برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی، مترجم: فرهنگ ارشاد، انتشارات: جامعه شناسان، تهران.

References

- Babaei Fard, Assadollah, (2015), critical discourses in sociology; Epistemology, Methodology and Theorizing, *Publications: Sociologists*, Tehran. (Persian)
- Bekaroğlu, Adib Asif (2011), "*Justice and Development Party from the critics' point of view*", *Interdisciplinary: Conversation*, March 2013, No. 59, from 19 to 28. (Persian)
- Bora, Tanıl, (2017), *Cereyanlar; Türkiye, de Siyasi Cereyanlar*, İletişim Yayınları, İstanbul. Turkish
- Boudon, Raymond (1998). "**Social Mechanisms without Black Boxes**" Hedström, Peter and Richard Swedberg (eds.), *Social Mechanism, an Analytical Approach to Social Theory*, Cambridge, Cambridge University Press. Turkish
- Cagaptay, Soner (2018), the new Sultan; Erdogan and the crisis of modern Turkey, translator: Mehdi Karachedaghi, *publisher: Nasle NowAndish*, Tehran. (Persian)
- Cumhuriyet haber.tr
- Dağı, ihsan, (2004) "*AK parti müsluman demokrat mı muhafazakar demokrat mı*", 09/01/2004. Turkish
- David Collier, "*Understanding Process Tracing*", *ps: political science and politics*. 44/No.4 (2011):823-30, University of California, Berkeley. Turkish
- Elliott, Anthony, Turner, Bryan (2010), *Perspectives in Social Theory*, Translator: Farhang, Irshad, *Publisher: Sociologists*, Tehran. (Persian)
- Ghazizadeh, Hassan (2018), *Transitions to Democracy*, *Publications: Akhtran*, Tehran. (Persian)
- Hallaq, Hassan (2001), *The Role of Jews and International Forces in the Abdication of Sultan Abdul Hamid II 1908 1909*, translators: Hojatullah Joodaki and Ahmad Darwish, *Publishers: Institute of Contemporary History of Iran*, Tehran. (Persian)
- Hay, C. And Jessop, B. (1995) "*The Governance of Local Economic Development and the Development of Local Economic Governance*", paper

- presented to the annual meeting of the *American Political Science Association*, Chicago, September. Turkish
- Hay, Kolin (2006), *Political Analysis: A Critical Introduction*. Translator: Ahmed Golmohammadi, *Ney publication*, Tehran. (Persian)
- http: www.islamianaliz.com/h/12718/akincilar-hareketinin-40-yili-munassebetiyle-fatih-akincilarindan-basin-aciklamasi.
- <https://yenidunya.org/>;"*Diyanet'in bütçesi bakanlıkları yine geçti*" / 25 Kasım 2023
- Kadivar, Mohammad Ali, (2007) *Transition to Democracy. (Theoretical and Conceptual Considerations)*, Tehran: *Gameno Publishing*. (Persian)
- Kafi, Majid (2016), *Historical Sociology (Basics, Concepts and Theories)*, Tehran, *Hozah and University Research Publications*. (Persian)
- Madadlou, Ramin, (2021), *Blood Accompanying God, Turkish Shias after the Islamic Revolution Iran*, *Imam Sadiq University Press*, Tehran. (Persian)
- Mohei (2019) "*Neoliberalism techniques for perversion of freedom*"; Source: Zamane Radio: <https://www.radiozamaneh.com/441931> (Persian)
- Nur Vergin, (2007) "*Merkeze Talip Bir Çevre Partisinin Önenemez Yükselişi*", *Türkiye Günlüğü*, Sayı: 90, Seçim, s. 74. Turkish
- Sadeghian, Hassan, Esadi, Abbas (2018), "*The impact of social and virtual media on the democratization process (case study of Justice and Development Party government; 2002 until now)*"; *Journal of News Sciences*, Year 8, Summer 2019, Number 30; pp.: 175-194. (Persian)
- Sadeghian, Hassan, Moharrami, Mustafa (2020), *a Brief History of Turkey*, *Scientific and Cultural Publications*, Tehran. (Persian)
- Sarıbay, Ali yaşar (2003), "*AKP Kimliksizliğe Mahkum*", vatan.
- Strauss, Anselm, Corbin, Juliet (2011), *Basics of Qualitative Research (Techniques and Stages of Grounded Theory Production)*, Translator: Ebrahim Afshar, *Publisher: Ney*, Tehran. (Persian)
- Taliban, Mohammad Reza (2009). *A reflection on the technique of "tracing the trend" in studies of the Islamic Revolution of Iran. Matin Research Journal*, year 11, No 40. (Persian)
- Taşgetiren, Ahmet (2005), "*Muhafazakar Demokrasinin içi Yeterince Dolu Değil*", *Anlayış*, Desember, 55-57. (Turkish)
- Tugal, Cihan (2016), *The Fall of the Turkish Model*, translators: Mahmoud Shoushtari, Reza Jaski, *Verso Liberalism Publishing House: London-New York*. (Persian)
- Yavuz, Hakan (2010), *Secularism and Islamic Democracy in Turkey*, translator: Ahmad Azizi, Tehran, *Ney publication*. (Persian)
- Yıldırım, Ergün (2002), "*AKP: Bir Politik Tsarının Sosyolojik Temsiliyeti, Birikim*", Sayı: 163-164, Kasım- Aralık 2002, s.66-70. (Turkish)
- Yıldız Ahmet (2004), "*Muhafazakarlığın Yerleştirilmesi ya da AKP'nin Yeni Muhafazakar Demokrasi, Karizma: Muhafazakarlık Yeniden Özel Sayısı*", Sayı: 17, Ocak- Şubat- Mart 2004, s. 53-56. (Turkish)